

۱۱۰۲۰۴۷
۱۳

ای طالقانی ،

ای مرد روحانی ،

ویلا خره‌ای پدر ،

بتوسپاس میگویم ،

بتو ، روح بزرگ تو ،

سپاس میگویم .

وترا ، بیاد آن گذشته سختی که در پشت میله های قفس ، فریادت بگوش کسی نمیرسید ،

سپاس میگویم .

وترا ، بیاد آنروزهایی که برای آسایشش ، برای خوشبختی ، همه مردم در شکنجه دست -

ستمگران بود های ،

سپاس میگویم .

وبتو روح بزرگ تو ، ، ، درود میفرستم .

ای طالقانی ،

ای پدر مجاهد ،

من کوچکتر از آنم ، ، که ترا ، و بزرگی ترا ، ای مرد بزرگ ، وصف کنم .

زیرا گذشته دردناک تو ،

زجرها و سختیهای تو ،

استقامت و بزرگی تو ،

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

همه و همه ، ، نشانگر فدایاریهای توست .

بله ای پدر ، ، ، من کوچکتر از آنم که ترا وصف کنم .

وقتی بگذشته تو فکر میکنم .

که چگونه با آن اندام استخوانی ، مردی که سالیان دراز ، از عرش گذشته در زیر دست شکنجه گران و زورگویان ، بخاطر من کوچکی ، ، بخاطر همه انسانها ، ، چگونه در زجر و شکنجه روحی و جسمی بوده ای ،

ترا سپاس میگویم ، ،

تو ، ، ، و همه آنهایی که هدف ترا داشتند ،

سپاس میگویم . .

تو برازنده همه لغات خوبی ،

تو بگ هدف ، ، برای همه اهدافی ،

تو بزرگی ، ، تو امیدی ، ، تو نویدی ، ،

(ای پدر مهربان این شعر را با تمام احساس شخصی که بتو مرد بزرگ دارم

تقدیم میکنم)

طالقانی ، ،

ای مرد روحانی . . .

چیزیکه من و همه همفکرانم در شگفت آنیم ، اینکه . . هرگز ، از غمهای سخنی بمان نیامد .

تو هرگز از گذشته خود ، و سختیهای خود ، ، نالان نبوده ای .

ولی بدان ای پدر ، ، که من و همه آنهاییکه ایمان ترا میشناسند .

تمام سختیهای ترا درک ، ، تمام دردهای ترا احساس ، ،

و ترا ، ای مرد بزرگ سپاس میگویند .

افکار دنیای تو ، ، بین هزاران فاصله با دنیای افکار ما بود .

افکار تو در دنیای بود ، ، که من ، و امثال من ارزش آن را نداشتیم

که بدان دست یابیم .

تو در افکاری بودی ، ، که در مخیل ما نبود . و این همه ، ، نشانه روح بزرگ توست .

من پیش روی تو ،، کوچکترا ز آنم که ترا وصف کنم .
براستی من چگونه میتوانم احساسم را از بزرگی تو ،، برای بیان کنم .

طالقانی ،،

ای مرد روحانی ،،

ای پدر ،،

وقتی به سختیهای تو فکر میکنم .
وبیاد آن روزهایی که حتی از عزیزان خود بخاطر ما ،، گذشت میکردی
بخاطر حق ،، بخاطر دین ،، بخاطر ایمانت ،،
این من کوچک . . . جز اینکه ، اشک محبت در چشمانم حلقه زند . چگونه میتوانم سپاس خود ، و
همفکرانم را تقدیم تو کنم .

تو همه چیزی ، جز یک چیز .
اینکه ،، هرگز زیر بار ظلم نرفتی .
تو همه چیزی ،، و برتر از یک چیز .
اینکه هرگز زیر بار زور نرفتی .

پدر من هیچ چیز ندارم که بتو تقدیم کنم .
بتو و بزرگی تو ،،
جز اینکه بگویم بتوای مرد بزرگ سپاس .